



آقای هاشمی معتقد بود معدل افکار عمومی در شرایط معمولی، هیچ وقت اشتباه نمی‌کند و حتی اگر زمانی بد انتخاب کند، بالاخره خودش را تصحیح می‌کند. بنابراین صلاح نیست چیزی را بر مردم تحمیل کنیم

بعد از درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، این سخن مطرح شد که اگر چه ایشان دیگر حضور فیزیکی ندارند، اما سخنان، سخنرانی‌ها، مکتوبات، خاطرات و خطبه‌های ایشان وجود دارد که می‌تواند تحت عنوان «راه هاشمی»، الگوی آیندگان باشد. آیا می‌توان مجموعه آرا و عقاید ایشان در حوزه‌های مختلف را تحت عنوان «مکتب هاشمی» داشت و شناخت؟

به اعتقاد من، همین طور است. بیش از هزار سال قبل، در شیعه شخصیتی به نام شیخ مفید داشتیم که استاد سید مرتضی و شیخ طوسی بود. ایشان تنها یک فقیه نبود و در عین فقاہت یکی از استادان علم کلام محسوب می‌شد که نوعی نوگرایی در شیعه به شمار می‌آمد. یکی از ویژگی‌های ایشان، این بود که با مخالفان نیز گفت‌وگو می‌کرد و مسائل را با بحث، استدلال و اقیاناع پیش می‌برد. شیخ مفید، شخصیت بسیار جامعی داشت که حتی علمای اهل سنت نیز به ایشان احترام می‌گذاشتند. ایشان در ۷۲ سالگی از دنیا رفت و در تشییع پیکر ایشان هم به روایتی ۸۰ هزار نفر حضور داشتند. درگذشت شیخ مفید، شیعیان را دچار شوک کرد؛ جامعه احساس ناراحتی کرده و این سؤال مطرح بود که «بعد از شیخ چه باید کرد؟» معروف است که روی مزار ایشان نوشته‌ای یافتند که چند بیت در رثای ایشان بود و یکی از آن ابیات این بود: «ان کنت قد غیبت فی جدت الثری فالعلم و التوحید فیک مقیم»؛

به این معنا که اگر تو در زیر خاک پنهان شدی، خداشناسی و علم تو پایدار است. اتفاقاً همین هم شد و تا قرن‌ها، نگاه حاکم بر فقه شیعه، نگاه شیخ مفید بود. اکنون هم کتب فقهی شیخ مفید، به عنوان مرجع قابل رجوع و استناد است. به نظر من، زندگی و حادثه ارتحال آقای هاشمی باز زندگی و درگذشت شیخ مفید از برخی جهات مشابهت دارد.

نگاه آقای هاشمی به موضوعات دینی و

سیاسی، منحصر به فرد بود. ممکن است در شرایط کنونی کتاب یا مجموعه نظریات مدونی از نظریات آقای هاشمی در زمینه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... نداشته باشیم، اما ایشان آثار زیادی دارند که قابل استناد است؛ ایشان سال‌ها مباحث فقهی و نظرات سیاسی را در نماز جمعه مطرح کردند؛ ایشان اولین کسی است که در زندان، آیات قرآن را با زندگی عینی جامعه تطبیق داد و بعدها آن را تکمیل کرد. تفسیر ۱۵ جلدی ایشان از قرآن، بسیار راهگشاست. باید توجه داشت این تفسیر در شرایطی نوشته شد که آقای هاشمی در زندان بود و زندانیان آن دوره به قرآن دسترسی نداشتند؛ اما ایشان بخشی از قرآن را حفظ بودند و سایر زندانیان از جمله مرحوم آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله العظمی منتظری نکته‌های راهگشایی را مطرح می‌کردند. سخنرانی‌های آقای هاشمی در ۳۷ سال گذشته، خاطرات، بیانیه‌ها، نوشته‌ها و... در این ۳۷ سال موجود است و تنها همتی می‌طلبید که همه اینها را گردآوری کرده و کار ماندگاری در این زمینه آماده کند تا یک الگوی رفتاری، سیاسی و فکری برای جامعه باشد.

همان طور که اشاره کردید، فعلاً مجموعه مدونی در این باره نداریم اما با توجه به قرابت و آشنایی دیرسالتان با آقای هاشمی، بفرمایید مسائل سیاسی در مکتب هاشمی چه شاخصه‌هایی دارد؟

ایشان یک شخصیت روحانی بود؛ به عنوان یک سیاستمدار روحانی و روحانی سیاستمدار به مسائل نگاه می‌کرد. به دلیل هوش و آفری که داشت و دوران تحصیلی پرثمر که در محضر استادان حوزه علمیه گذرانده بود، نگاه سطحی به موضوعات نداشت. دیدگاه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایشان از عمق مبانی فقهی و شرعی سرچشمه می‌گرفت. متأسفانه ما

مبانی «مکتب هاشمی»

کرباسچی: رفسنجانی هیچگاه مدعی نبود قدیس یا مستثنی است

□ **فرناز حسنعلی زاده** / بسیار به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نزدیک بود؛ در دوران ریاست جمهوری وی، به عنوان اولین شهرداری که در جلسات هیأت دولت حضور می‌یافت، دوشادوش اعضای کابینه سازندگی در کنار هاشمی بود و در دولت دوم هاشمی، همراه شماری از معاونان و وزرای دولت، حزب کارگزاران سازندگی را تأسیس کرد. قرابت فکری و سیاسی، علقه عاطفی او با آیت‌الله و همکاری و همراهی دیرسالش سبب شد رغبتی به گفت‌وگو نداشته باشد؛ با این حال کوشید سؤالات را بی پاسخ نگذارد. در این مجال با او در این باره گفت‌وگو کردیم که آیامی توان بر مجموع آرا، سخنان، خطبه‌ها، موضعگیری‌ها و... آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، عنوان «مکتب هاشمی» اطلاق کرد؟ پاسخ و توضیحات کرباسچی در این باره را در زیر می‌خوانید...